

## نقش علمای شیعه

### در استقلال کشور عراق

مبارزه تبدیل بجهاد میشود:

گفتیم که آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی به عمال نیروهای اشغالگر که حاکم علی‌الاطلاق عراق شده بودند، تذکر داد که دست از سر مردم بردارند و استقلال آنها را برسمیت بشناسند، و برای همین منظور جواب مفصلی بنامه مستریولی حاکم انگلیسی نوشت و با وگوشزد کرد که اگر جلوتظاهرات صلح‌جویانه مردم را بگیرند، واکنش این عمل بسیار سخت خواهد بود که تفصیل آن در شماره قبل گذشت.

تذکار منطقی آیه‌الله شیرازی در آنها موثر واقع نشد، بلکه عده‌ای از مردم مسلمان و علماء کربلا، را دستگیر و به «جزیره هنگام» در خلیج فارس تبعید کردند که از جمله آنها فرزند آیه‌الله شیرازی، آقای شیخ محمد رضا بود، و علاوه عده‌ای از تظاهرکنندگان «حله» را نیز توقیف و سپس تبعید کردند، و در «نجف الاشرف» نیز توقیف‌های دسته‌جمعی شروع شد...

فقار و تضییق، روز بروز بیشتر شد، دیگر مردم امنیت و آسایشی نداشتند و سرانجام آیه‌الله شیرازی در جواب استفتاء از «توسل بقوه دفاعیه» فتوی داد که: «مطالبه حقوق بر همه‌مراقبها واجب است. و البته بر آنها لازم است که تا آنجا که میتوانند در این موضوع رعایت آرامش و صلح را بکنند، ولی اگر آنها از قبول خواستهای مردم خودداری کنند، مردم میتوانند بقوه دفاعیه توسل کنند. الاحقر محمد تقی الحاکمی الشیرازی»

بدنبال این فتوا رؤسای قبایل عراق به حکومت (نمایندگان بریتانیا) پیام فرستادند که اگر هر چه زودتر دستگیر شدگان آزاد نشوند و بخواست‌های مشروع مردم توجهی نشود کارهای پارسی خواهد کهنه‌ها...

در خلال همین جریانات بود که حکومت ایران برای جلب توجه آیه الله شیرازی، در مسئله اختلاف عراق و انگلیس دخالت کرد و از انگلستان خواست که فرزند آیه الله شیرازی را بایران بفرستد و حکومت انگلیس هم بلافاصله برای خاموش ساختن مردم، فرزند آیه الله شیرازی را از طریق بندرعباس بایران فرستاد.

ولی این اقدامات هرگز نتوانست مردم مسلمان عراق را خاموش کند و «سران انقلاب» طی بیانیهای از بریتانیا خواستند که:

۱- استقلال تمام عراق بر رسمیت شناخته شود.

۲- جنگ و کشتار در جبهه «رمیته» و اطراف آن خاتمه یابد.

۳- جمیع دستگیر شدگان، و در رأس آنها آقا شیخ محمد رضا شیرازی بسوطن خود برگردند.

۴- تمام حکام و سیاستپون و قوای انگلیسی از سراسر عراق احضار شده و در پایتخت جمع شوند تا مذاکرات طرفین آغاز شود!...

مردم عراق تحت رهبری آیه الله شیرازی، سرگرم مبارزه و تهیه مقدمات «جهاد بزرگ» بودند که در سوم ذی حجة الحرام ۱۳۳۸ هـ آیه الله شیرازی برحمت ایزدی پیوست، و آیه الله شیخ فتح الله اصفهانی «شیخ الشریعه» بجای ایشان نشست، و در نخستین اجتماع که بمناسبتی در نجف تشکیل شده بود پس از قرائت آیاتی چند از قرآن مجید اعلام داشت که: «باید از همان راهی برویم که آیه الله شیرازی رفت...» (۱)

مبارزه ادامه یافت و رهبران انقلاب و رؤسای قبائل، به پیروی از دستورات علمای شیعه، آخرین اتما حجت خود را با اعمال انگلیسی کردند، ولی باز فایده نبخشید، و فشار ادامه یافت، تا اینکه در سراسر عراق نیروهای ملی مجاهدین، عشایر و قبایل، مسلحانه وارد کارزار شده و در ۱۴ «جبهه» جنگ را شروع کردند (۲).

مدت چندماه جنگ در سراسر جبههها ادامه داشت. و در تمام جبههها، بالخصوص در جبهه نجف اشرف که آنرا «پایتخت انقلاب» نام داده بودند و بقول «سرپرسی کاکس» انگلیسی «بخاری در چشم سیاست بریتانیا نبود» (۳) علماء و طلاب علوم دینی اسلحه بدست گرفته و علیه

۱- تاریخ العراق السياسي الحديث ج ۱ ط لبنان ص ۱۳۹.

۲- برای مزید اطلاع از جریاناتی که در ۱۴ جبهه جنگی گذشته است، به کتاب «الثورة العراقية الكبرى» ص ۱۶۴ تا ۱۷۰ رجوع شود.

۳- تاریخ العراق السياسي الحديث ج ۱ ص ۱۰۹ بنقل از نامه های «مس بل» ص ۵۱۸.

استعمار و نیروهای اشغالگر می‌جنگیدند، ولی بعد از چند ماه جنگ سخت و تلفات زیاد، در اثر تقویت فوق‌العاده نیروهای دشمن (که تعداد نفرات آن متجاوز از ۱۳۰۰۰۰ نفر بودند) و تجهیزات کامل جنگی، و حمله‌های سخت، جبهه‌های مجاهدین ملی، یکی پس از دیگری، بعلت فقدان اسلحه‌های لازم، سقوط کرد و اغلب شهرها نیز که «ستاد مرکزی» بودند، تسلیم شدند.

تلفاتی که از این جنگ حاصل شد «صرف نظر از خسارت‌های مادی که بسیار زیاد بوده، آمار صحیحی ندارد ولی طبق نوشته «ژنرال هولدن» انگلیسی در کتاب «اضطرابات سال ۱۹۲۰ در عراق» از نیروهای انگلیسی و هندی ۲۲۶۹ نفر و از نیروهای ملی مردم مسلمان عراق ۸۴۵۰ نفر مقتول و مجروح شدند که ۳۵۰۰ نفر از آنها فقط در جبهه نجف الاشرف بقتل رسیده بودند....

گرچه انقلاب بصورت ظاهر شکست خورد، ولی نتیجه فوق‌العاده مهمی که از آن بدست آمد و تاریخ عراق را عوض کرد در شماره بعد مطالعه خواهید کرد.



گفتمیم که علمای شیعه در عراق، و در رأس آنها آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و بعد آیه‌الله اسفهان‌ای (شیخ الشریعه) مردم را برای مبارزه همه جانبه‌ای با استعمار و بیگانه‌دعوت کرده و از آنها خواستند که در تحصیل حقوق از دست رفته خود و استقلال کشور، برای تأسیس حکومت اسلامی، با تمام قوا بکوشند.

بدون شك نقشی که علمای شیعه در انقلاب استقلال طلبانه عراق داشتند، در رتبه اول قرار داشت، و قبل از تمام علل و عوامل دیگر که شاید بتوان برای انقلاب ملی بزرگ عراق تصور کرد، بایستی اهمیت موقف علمای شیعه را در این مسائل بررسی کنیم و بهتر است که در این باره فقط بنقل قول یکی دو نفر از مورخین و مطلقین معاصر اکتفا کنیم؛

«سید عبدالرزاق حسنی» مورخ معاصر عراقی در کتاب «الثورة العراقية الکبری» مینویسد: «... از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل زبانه کشیدن آتش انقلاب، در نظر مورخین و ناظرین سیاسی، رجال دین بودند، برای اینکه علمای شیعه امامیه، مرجع و پناه گاه همه افراد مردم مسلمان در احکام و فتاوی هستند، و شیعه معتقد است که علماء آنها نواب ائمه اطهار (ع) هستند، و لذا با هیچ امر و فتوای آنها مخالفت نمیکنند، عده بسیاری از این علماء

باستثنای گروه قلیلی که معتقد بودند بعلت ضعف قوا و نقصان نیرو نباید دست باسلحه برد، میگفتند: اسلام با هیچگونه سيطره و تسلط خارجی در هیچ شرایطی سازگار نیست... (۱) دکتر علی الوردی هم در کتاب خود می نویسد: ... این مجتهد (شیرازی) فتوی بوجوب قیام علیه مستعمرین را داد و بر مؤمنین مقرر کرد که ذکات اموال خود را برای هزینه مجاهدین بدهند و فقهاء کربلا و نجف و کاظمین نقش مهمی در انقلاب سال ۱۹۲۰ م داشتند و پس از آن باز علیه حکومت قیام میکردند تا عاقبت چنانکه همه میدانند آنانرا بایران تبعید کردند. مس بل (۲) میگوید: رجال دین از مؤثرترین و بزرگترین مبلغین شورش در عراق بودند و این روش را در خلال جنگ و بعد از آن داشتند و همین امر باعث شد که متصدیان حکومت اقدام بتأسیس مدارس جدید کنند تا دین را در دل نسل جدید ضعیف کنند و با این روش، ریشه شورش را از بیخ برکنند (دقت شود)

دکتر وردی بعد از نقل گفتار مس بل، اضافه میکند که :

و این اعتراف را که مس بل میکند واقعاً قابل تأمل است، شکی نیست که تمایلات دینی در جوانان امروز عراق ضعیف است و این يك موضوع اجتماعی است که هر کس از سایر کشورها بعراق آمده آنرا ملاحظه کرده و ظاهراً مدارس جدید که استعمارگران شروع بتأسیس آنها کردند از جمله وسایلی بود که این نتیجه را داده است... (۳) این بود خلاصه ای از وضع عراق و کیفیت شروع جهاد ضد استعماری و نقش علمای شیعه در آن، امیدواریم که در شماره بعد ارجاع بنتایج و آثار آن و از عراق امروز بحث کنیم.



۱- الثورة المراقية الكبرى ص ۷۸ ط صیدا - لبنان و همچنین تاریخ العراق السياسي الحديث ج ۱ ط ۲ ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۲- مس بل از ما مورین سیاسی انگلسی در عراق در زمان انقلاب بود و مقام حساسی داشت و نوشته های او راجع بسیاست خودشان در عراق ارزش تاریخی دارد.

۳- نقش و عاظ در اسلام - پارسی و عاظ السلاطین، تألیف دکتر علی الوردی استاد دانشگاه عراق ترجمه محمد علی خلیلی ص ۳۰۸ و ۳۰۹.